

متن پرسش

سلام استاد عزیز: خدا قوت، ان شاء الله سلامت و بهره‌مند باشید. ببخشید به سؤال داشتم، منظورتان از کشیک نفس کشیدن و مراقبت‌ها اینجا (در شرح فص شیثی) چیست؟ آیا این تذکرات تون اخلاقی و عملی است؟ در یک مباحثه دوستانه به این چالش خوردیم. «فأی صاحب کشف شاهد صورة تلقی إليه ما لم یکن عنده من المعارف و تَمَتَّحَهُ ما لم یکن قبل ذلك في يده فتلك الصورة علة لا غيره، فمن شجرة: المرة غرسه كالصورة الظاهرة مِنْهُ في مقابلة الجسم الصیقل ليس غيره، إلا أن المحل أو الحضرة التي رأى فيها صورة نفسه تلقى إليه ينقلب من وجه الحقيقة تلك الحضرة، كما يظهر الكبير في المرأة الصغيرة صغيراً و يظهر غير المستطیل في المستطيلة مستطیلاً، و المتحركة متحرکاً وقد تغطیه انتکاس صورته من حُضْرَة خاصة، وَ قَدْ تُغَطِّيهِ عَيْنٌ ما يَظْهَرُ مِنْهَا فَيُقَابِلُ الیَمِینُ مِنْهَا الیَمِینَ مِنَ الرَّأیِ وَ قد يُقَابِلُ الیَمِینَ الیسار و هو الغالب في المرايا بمنزلة العادة في العموم و بخرق العادة یقابِل الیَمِین الیَمِین و یظهر الانتکاس. وهذا كله من أعطیات حقيقة الحضرة المتجلی فیها التي أنزلناها منزلة المرايا» پس با توجه به نکته‌ی فوق هر صاحب کشفی که شاهد معارف و صورت‌هایی در مثال متصل یا منفصل باشد که به او رسیده و قبلاً نداشته و به صورت هبه به او رسیده، همه و همه آنها از عین ثابت خود اوست و از درخت نفس خودش میوه چیده است. نفس که برای ظهور آن صور و معارف مستعد شد پس آن عطایا به رنگ آنچه در مکاشفه وجود دارد، بر او آشکار می‌شود و آن عطایا از معتبر عین ثابت‌ی او نازل می‌شوند حضرت عیسی نقد در این رابطه می‌فرمایند: علم در آسمان و زمین و ماوراء دریاها نیست، «العلم محصول في قلوبکم تأدبوا بین یدی بأدب الروحانیین و تخلقوا باخلاق الصدیقین اظهروا العلم من قلوبکم حتی یعطیکم» علم در قلبهای شما است به ادب روحانیون در محضر حق مؤدب شوید و متخلق به اخلاق صدیقین بگردید علم از قلبهای شما ظاهر می‌شود و شما را در بر می‌گیرد. البته سیر به سوی عین ثابت و مقام کلی خود نیاز به همت و صبر و پشت کار طولانی دارد، سالک باید همت داشته باشد و در گرفتن هبه از باطن خود تعجیل نکند تا به مرور ظرفیت لازم را پیدا کند. عطار می‌گوید: اگر یک انبار پر از ارزن باشد و به شما بگویند گنجشکی روزی یک دانه از آن بر می‌دارد تا انبار خالی شود آنگاه آنچه را باید به تو بدهیم می‌دهیم باید صابر باشید و بدانید آن کسانی که زود می‌گیرند بیم آن می‌رود که مجذوب اسمی شوند و در همان حد بمانند. عمده آن است که متوجه باشیم مباحث عرفان نظری چگونه جهت جان ما را متوجه حقایق و عین ثابت خود می‌کند تا با کشیک نفس کشیدن قدم قدم به سوی آن حقایق جلو برویم و نظر خود را به سوی چیز دیگری نیندازیم. درست است که عین ثابت حقیقت ما است ولی بسیار کار می‌برد تا انسان به عین ثابت‌ی

خود برسد و در حقیقت کلی خود مستقر گردد، مقامی که تماماً در محضر حق است و حق تنها از آن مجرا برای او ظهور می‌کند و او همه ی آن حق را که می‌تواند بیاید می‌یابد. محی الدین در رابطه با این که هر هبه‌ای از عین ثابته سالک به او می‌رسد مثال آینه و صورتی که در آینه ظاهر می‌شود را می‌زند و این که آینه چیزی جز همان صورت را نشان نمی‌دهد، هر چند ممکن است آن صورت به جهت خصوصیات آینه متفاوت ظهور کند و لذا تفاوت عطایا به جهت تفاوت آن ظرفی است که هبه در آن تجلی می‌کند ولی در هر حال همه از خود شما است و شما خود را در آن عطایا می‌بینید هر چند خطورات خیال و قلب و روح بر آن هبه اثر می‌گذارند.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نسبت تکوینی خود با وجود مطلق و به این معنا به حضرت حق بیندیشید، و از طرف دیگر به امکان ذاتی خود که تماماً عدم است ولی «عدمٌ ما» که نیستی است در عین ظرفیت شدن با امکانات گوناگون. و این موجب حضوری از جنس انتخاب در بین آن نوع امکان‌ها می‌شود و انسان در این میدان که میدان بودن است که هیچ هویت خاصی ندارد ولی با کشیک نفس‌کشیدن به همان معنای انتظار و باز انتظار، می‌یابد که در وجود خود خبری هست و استقرار در این انتظار، یعنی زندگی و باز زندگی. موفق باشید